



زمان مثل برق و باد می‌گذرد و تا چشم باز کنی، می‌بینی ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌ها می‌آیند و می‌روند، بدون آن که آب از آب تکان بخورد. انگار همین چند سال قبل بود وقتی که انتخابات مجلس هفتم برگزار شد و نمایندگان مردم با دنیایی از وعده و وعید راهی ساختمان بهارستان شدند تا طرحی نوراندازند و برخلاف مجلس قبلی کاری کنند کارستان.

ذکر این مقدمه نه برای تخریب شخصیت نمایندگان مجلس هفتم است، و نه تأییدی بر عملکرد مجلس گذشته، بلکه فقط دروازه‌ای است برای ورود به مهمترین و اساسی‌ترین نهادی که وظیفه قانون‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای آن را دارد. ۱۰ آذر ماه مصادف با سالروز شهادت آیت‌الله مدرس، اسوه آزادی و تقوا است و نیز روز مجلس شورای اسلامی.

همه ساله در چنین روزی نمایندگان مجلس با مروری بر تلاش‌ها و عملکرد سالانه‌ی خود، به تبیین دستاوردهای این نهاد قانونی می‌پردازند. اما اینکه در طول سه سال و نیم گذشته این مجلس توانسته به توقعات انتظارات و خواسته‌های مردم دست یابد، بحثی است که نیاز به بررسی و واکاوی دارد و در این نوشتار کوتاه نمی‌گنجد.

هدف اصلی این مقاله بررسی گفتار و کردار دولت نهم و مجلس هفتم و نقش و تأثیر مجلس در موفقیت یا عدم موفقیت دولت است، زیرا بدون شک یکی از عوامل اصلی موفقیت دولت‌ها در عصر کنونی داشتن رابطه‌ی مناسب و مستحکم با مجلس و بهره گرفتن از قوانین مدون و جامعی است که دست آنها را در اجرای بهتر برنامه‌ها و سیاست‌ها باز می‌گذارد.

در این مسیر چاره‌ای نیست جز مرور رفتار و عملکرد دولت و نقش این نهاد اجرایی در روند امور و پاسخگویی به مطالبات مردم. برای ورود به مبحث اصلی بد نیست بر آرمان‌ها و شعارهای دولت و مجلس هنگام آغاز به کار فعالیت‌های خود اشاره‌ای داشته باشیم. متأسفانه خوب یا بد یکی از نقاط منفی و نه چندان شایسته مدیران کنونی، نفی دستاوردها و خدمات و تلاش‌هایی است که در طول سال‌های گذشته توسط مدیران وقت انجام گرفته بود.



شهراد افشاری
نویسنده و روزنامه‌نگار
shahrad42@yahoo.com

سهم مجلس در ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی دولت

ایرانی‌ها معمولاً در یک خصیصه اخلاقی مشترکند و آن خراب کردن مدیران و مسوولان ماقبل خود و ارایه چهره مطلوب و شایسته از خود و نزدیکانشان. البته این خصیصه در دولت کنونی به مراتب بروز و ظهور بیشتری کرده، به طوری که برخی دولتمردان از بیخ و بن اساساً منکر زحمات و تلاش‌های دولت‌های قبلی شدند و فقط خود را شایسته تقدیر و تشکر می‌دانند. این خصیصه متأسفانه در سطح نمایندگان مجلس نیز رسوخ کرده است.

اگر چه برخی مسوولان با ذکر مطالب خرافه‌ای سعی در تخریب مجلس گذشته و تطهیر مجلس فعلی داشتند، با این وجود نگاهی به عملکردها نشان می‌دهد که به اصطلاح هر کس چند مرده حلاج است؟ مجلس هفتم در طول سه سال و نیم گذشته اگر چه کوشید در جایگاه تعیین و نظارت با کمک به اهداف نظام در جهت عزت، اقتدار و مصلحت حرکت کند، اما از منظر مردم که تأثیر سیاست‌ها را از نزدیک لمس می‌کنند، چندان موفق نبوده، به ویژه در ابعاد اقتصادی، به همین دلیل در آستانه‌ی انتخابات، این نهاد قانون‌گذاری با چالش کاهش محبوبیت‌های مردمی مواجه است و می‌کوشد به هر نحو علل مشکلات را از خود دور کرده و ریشه‌ی آن را به جاهای دیگر متمثل کند.

یکی از دستاوردهای مجلس بنا به گفته‌ی نمایندگان، حفظ استقلال قوا، سهمیه‌بندی بنزین، عدالت‌خواهی، روان‌سازی کارهای اجرایی، تصویب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب طرح‌ها و لوایح مهم دیگری است که در جهت آبدانی و عدالت و رفع نیازهای مردم برداشته شده است. اگر چه هیچ کس فکر زحمات و تلاش‌های مسوولان به ویژه نمایندگان مردم در مجلس نیست، اما متأسفانه آن گونه که از ابتدا با شعاری پرطمطراق ادعا می‌شد، این مجلس نتوانست کاری کند کارستان. شاید مهمترین وظیفه‌ی مجلس نظارت بر نحوه اجرای قوانین است، اما در این دوره به اعتراف بسیاری از نمایندگان، این وظیفه به درستی انجام نشد و درست از این رو است که در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلاءهای گسترده‌ای ایجاد شد که اکنون پر کردن آن به راحتی میسر نیست.

شجاعت و استقلال رای که از صفات شایسته آیت‌الله مدرس است، همواره از سوی نمایندگان به عنوان یک ویژگی مورد تأکید قرار می‌گیرد و به عنوان یکی از دستاوردهای مجلس هفتم مطرح می‌شود، در حالی که هنگام اتخاذ تصمیمات مهم و حساس این استقلال رای کم‌رنگ می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که پای استیضاح وزیر به میان می‌آید، بسیاری از نمایندگان با

شجاعت و صراحت لهجه از ضرورت استفاده از ابزارهای قانونی سخن می‌گویند، اما همین نمایندگان در ظرف چند روز امضای خود را پس می‌گیرند و عقب می‌نشینند و وقتی می‌پرسند که چرا چنین شد؟ می‌گویند "مصلحت ایجاب می‌کرد". این در حالی است که رایزنی وزیران یا نمایندگان آنها با نمایندگان دلیل پس گرفتن امضاها تلقی می‌شود. حال با این موضع‌گیری‌ها و چرخش‌های ناگهانی آیا صحبت از استقلال در رای کردن صحیح است یا خیر، قضاوت را به خوانندگان وامی‌گذاریم.

مردم وقتی به مجلس هفتم رای دادند، خواستار اولویت مسایل اقتصادی در برنامه‌ها بودند، لذا نمایندگان کوشیدند مصوبات خود را در جهت حل مشکلات اقتصادی آنها قرار دهند. تصویب سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ گام بزرگ مجلس در خصوص محدود نبودن فعالیت‌های اقتصادی بود، با این حال به نظر می‌رسد مصوبات مجلس هفتم نقش‌چندانی در حل مشکلات اقتصادی مردم نداشت و عملاً نه تنها نتوانسته جلوی تورم و گرانی بیش از حد را بگیرد، بلکه با عدم نظارت صحیح بر عملکرد دولت در واقع مروج گرانی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی نیز شده است.

بسیاری از نمایندگان اگر چه نوع برخورد مجلس با دولت به ویژه در رای عدم اعتماد به برخی وزیران و یا استیضاح آنها را نشانه‌ای از قاطعیت قوه مقننه می‌دانند، در عین حال انفعال آنها در نوع مقابله با رفتار دولت را مورد نکوهش قرار می‌دهند و معتقدند: در بسیاری مواقع به دلیل حمایت‌های غیر واقعی و مصلحت‌گرایانه، نقش و اهمیت مجلس رنگ باخته و یا تحت شعاع اقدامات نسجیده قرار می‌گیرد.

مجلس به اعتبار اینکه نتیجه اراده و انتخاب ملت است، سیادت حقوقی بر سایر نهادها دارد، اما نکته قابل ذکر این است که مجلس صلاحیت داورى در مورد دولت و بسیاری از امور دیگر را دارد و چون مرکز تجمع دانش و اندیشه برگزیدگان ملت است، قدرت تصمیم‌گیری در تمام امور و شؤون را دارد. یا این توصیف در بحث رای اعتماد به وزیران و یا استیضاح آنها چرا مجلس پاسخ شایسته‌ای ارایه نکرده و اصولاً برای تغییرات پی در پی کابینه نهم چه پاسخی دارد؟

ما نیز به تغییر و تحول در بنده حاکمیت و دولت اعتقاد داریم و می‌گوییم این تحولات مانند سایر جوامع پدیده‌های مهم و حیاتی به شمار می‌رود، اما سطح تغییرات ایجاد شده در مدت زمان دو سال و تعداد آنها شائبه عدم ثبات مدیریت کلان در کشور را تقویت می‌کند و بدون شک این سوال را نیز به دنبال دارد که آیا نقش نظارتی مجلس در این امور کم‌رنگ شده یا در راس امور بودن آن محل شائبه قرار گرفته است؟

مجلس برای همراهی و همکاری با دولت به عنوان مثال در طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش و برای اثبات حسن نیت و تعامل مناسب با دولت به فرسیدی رای اعتماد مجدد می‌دهد، اما از آن طرف دولتی که اصرار به ماندن وزیر دارد، چندی بعد بدون توجه به نظرات مجلس او را وادار به استعفا می‌کند و او را تغییر می‌دهد. مجلس نشینان که به زودی در آزمونی دوباره خود را در معرض انتخاب مردم قرار خواهند داد، چه پاسخی برای این تغییرات دارند؟ اگر از رای دوباره به فرسیدی دفاع می‌کنند و طرفدار احمدی‌نژاد هستند، برای بی‌اعتنایی دولت به تغییر وزیر آموزش و پرورش چه



پاسخی دارند و نیز اگر دفاع نمی‌کنند باید بگویند که رای دوباره آنها به فرییدی در روز استیضاح چه معنایی دارد؟ دوگانگی در فکر و عمل در حال حاضر برخی از نمایندگان و در کل مجلس را تحت شعاع قرار داده و به جای برخورد منطقی و مناسب با تحولات، در عوض شیوه مصلحت‌گرایانه را انتخاب کرده و این بدون شک بر قدرت و اقتدار نهاد قانون‌گذاری تأثیر مثبتی نخواهد داشت. متأسفانه در حال حاضر دیدگاه‌های متفاوتی درباره تحلیل وضعیت کشور وجود دارد که یکی از دیدگاه‌های موجود که در دولت طرفداران زیادی دارد، این است که شرایط داخلی و خارجی کشور بسیار خوب و امیدوارکننده است، وضعیت اقتصادی مناسب است، گرانی نیست، فرهنگ در اوج اعتلا است و هیچ تهدیدی نیز کشور را در معرض خطر قرار نداده است.

دولت که این تحلیل را قبول دارد، می‌کوشد با راحت‌ترین پاسخ به افکار عمومی، پا در جای قدیسان صدر اسلام بگذارد و این گونه تصور کند که مردم نیز باید آن را بپذیرند.

یک دیدگاه نیز که طرفداران بسیاری دارد و بیشتر مردم نیز طرفدار آن هستند، وضعیت کشور را پیچیده و حساس می‌داند و معتقد است باید برای برون‌رفت از این شرایط تمامی جناح‌ها و احزاب دست یاری به سوی هم دراز کنند. این دیدگاه معتقد است: گرانی در کشور سرسام‌آور شده، قدرت خرید مردم به شدت پایین آمده، خطر کشور را تهدید می‌کند و در نتیجه‌ی سیاست‌آزمون و خطای دولت احمدی‌نژاد وضعیت آشفته‌ای بر کشور حاکم شده که باید برای رفع آن چاره‌ای عاجل اندیشید. متأسفانه دولت گمان می‌کند فقط دولت نهم است که آمده یک شبه بر مشکلات پیروز شود و یک تنه با همه بدکاران و خائنان و مافیای پنهان قدرت بجنگد، اما در طول این حدوداً سه سال چه گلی بر سر مردم زده که دیگران زنده‌اند؟

دولت با آزمون و خطا در سیاست‌های اقتصادی مشکلات را دفع نکرده است و به رغم افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی، چیزی بر سر سفره‌های مردم نیامده است.

مردم در وضعیت کنونی از حیث معیشت به شدت در تنگنا هستند، اما در عوض دولت وقت عمده‌ی خود را به جای رفع مشکلات آنها، صرف اتهام زدن به مسوولان سابق، فاسد و خائن جلوه دادن آنان و سفرهای استانی می‌کند که به زعم برخی این سفرها حاصلی جز تبلیغات انتخاباتی ندارد، زیرا بسیاری از مصوبات آن به جای تصویب در صحن علنی به یکباره اعلام می‌شود، بدون آن که محل اعتبار آن از قبل تأمین شده باشد!

البته باز هم باید از لفظ متأسفانه استفاده کرد و گفت امروز قوه مقننه به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام در حد و اندازه خود ظاهر نمی‌شود و علی‌رغم آن که باید در راس امور باشد، در حاشیه قرار گرفته و بحث نظارت خود بر دولت را از یاد برده و سوالی از رییس جمهوری نمی‌پرسد که مردم بدانند نمایندگانشان در مجلس به وظیفه‌ی خطیر خود عمل می‌کنند.

در دفاع از وضعیت کنونی همه نهادها و ارگان‌ها سهم دارند، اما بی‌شک سهم موثر مجلس در این امر بیشتر از سایرین است و نباید با دفاع غیر منطقی از هر عملکرد دولت در تداوم روند مشکلات کشور شریک شود. نمایندگان مجلس و کلاهی ملت هستند، نه نماینده‌ی دولت. به هر تقدیر در ارایه کارنامه ناموفق دولت یا موفق این نهاد اجرایی، مجلس سهم موثری دارد و اگر خدای ناکرده تصویر نامطلوبی از این عملکرد در آذهان مردم نقش ببندد، مجلس نیز در این کار سهیم و شریک است.

اتهام‌زنی در رفتار و آشتی ملی در گفتار "که سرلوحه فعالیت‌های دولت است، مدتی است که توسط برخی دولتمردان به زبان جاری می‌شود و مانند گذشته دولت‌های سابق مقصر مشکلات کشور شناخته می‌شوند، اما تضاد در فکر و عمل معضلی است که خود دولتی‌ها نیز با آن دست به گریبان هستند، اما پاسخ درخوری از سوی نمایندگان مجلس ارایه نمی‌شود. دولت که بد طولایی در تخریب گذشتگان دارد، مدتی است دم از آشتی ملی می‌زند و با کسانی که به آنها اتهام‌خانی و جاسوسی زده، دست دوستی و آشتی دراز کرده، در صورتی که کمترین نشانه‌ای از آمادگی و ظرفیت برای درک و فهم علل و عواملی که کشور را به چنین نقطه‌ای رسانده است، مشاهده نمی‌شود. این ابهام و تناقض در رفتار و گفتار وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم طرح آشتی ملی از سوی اشخاص در حال طرح شدن است که پرونده هسته‌ای ایران در اثر سیاست‌های رادیکالی آنها به شورای امنیت ارجاع شده است.

اگر واقعا آشتی ملی از سوی اصول‌گرایان دنبال می‌شود، پس هجوم به اصلاح‌طلبان و منتقدان دولت چه معنایی دارد و اگر قرار است این سیاست‌ها تداوم یابد، پس چرا آشتی ملی مطرح می‌شود؟

به نظر می‌رسد هدف از ارایه این طرح یک ابتکار تبلیغاتی سیاسی و جناحی است، اما آثار و نتایج سیاست‌های دو سال اخیر در عرصه داخلی و خارجی آن چنان آشکار و ملموس است که دیگر قابل انکار نیست، در این خصوص نیز متأسفانه مجلس و نمایندگان مردم اقدام موثری انجام نداده‌اند و نتوانسته‌اند دولت را به پرهیز

شجاعت و استقلال در رای از صفات و ویژگی‌های منحصر به فرد شهید مدرس بود. آیا نمایندگان مجلس نیز از این صفات برخوردار هستند؟

از این گونه رفتارهای دوگانه قانع کنند.

سرانجام پرونده‌ی ایران در زمینه هسته‌ای یکی از مسایل پیچیده‌ای است که مدت‌هاست توجه محافل سیاسی و مطبوعاتی را به خود جلب کرده است. همگان اذعان دارند که در این بحث هر نوع تحریمی برای توسعه و اقتصاد کشور خسارت‌بار است و تحریم‌های ایران پس از انقلاب مشکلات فراوانی را در پی داشته است، اما اکنون در صورت احتمال افزایش تحریم‌های جدید، بدون شک مشکلات بی‌شمار جدیدی گریبانگیر کشور خواهد شد که اقتضا می‌کند مسوولان و دست‌اندرکاران مربوط با درک این تحولات، در مسیری حرکت کنند که کمترین صدمه‌ی ممکن به مردم وارد شود. به گفته منتقدان، سیاست‌های تهاجمی دولت یکی از زمینه‌های شکل‌گیری اجماع جهانی علیه ایران است و شواهد حاکی از آن است که آمریکا و اروپا تمایل به تشدید تحریم‌ها علیه ایران دارند، بنابراین در چنین شرایطی به نظر می‌رسد با درک چنین وضعیتی باید در مسیری حرکت کرد که هم منافع ملی حفظ شود و هم از صدور قطعنامه‌های جدید علیه کشور ممانعت به عمل آید. اکنون در این راستا نمایندگان مجلس نیز نقش شایسته‌ای دارند و باید ضمن حفظ وحدت در پیگیری روند پرونده هسته‌ای، از اعمال سیاست‌های هیجان‌آفرین و افراطی که روند رسیدگی به پرونده را با مشکل روبه‌رو کند، جلوگیری کنند.

ارایه مشورت به دولت و تفهیم نقش و اثر تعیین‌کننده مجلس در تمامی امور به دولت می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. زمان مثل برق و باد می‌گذرد و اگر دیر بجنبیم، دیگر فرصتی برای جبران نداریم.